

# اول ماه مه، پیمانی مشترک برای ساختن

## دنیاوی دیگر

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی

حکمتیست  
۲۵۳

۱۵ آوریل ۲۰۱۹ - ۲۶ فروردین ۱۳۹۸  
دوشنبه ها منتشر میشود

### بازی در زمین دشمن در حاشیه تروریست نامیدن سپاه پاسداران مظفر محمدی

تحریم سپاه و تروریست نامیدن آن از جانب دولت ترامپ در واقع به تحریم یک گروه نظامی محدود نیست. سپاه یک ارگان اقتصادی، سیاسی، نظامی، قضایی، اطلاعاتی و امنیتی است. سپاه یک دولت است. دولت در سایه هم نیست. حتی دولت موازی دولت روحانی به اصطلاح منتخب مردم هم نیست. مافوق دولت روحانی است. مافوق مجلس و مافوق دستگاه قضایی است و سیاست داخلی و خارجی مستقل خود را دارد.

سپاه یک نهاد اقتصادی با شرکتهای عریض و طویل در تولید و ساخت و ساز و واردات صادرات و معاملات اسلحه و مواد مخدر و پول شویی است. سپاه بازوی سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی خامنه ای و بیت رهبری است. بعلاوه سپاه با شبکه عظیم زندانها، دادگاه ها، بازجوها، شکنجه گرها، جاسوسان و باندهای سپاه کنترل و دخالت در ابتدایی ترین شیوه ی زندگی مردم ، در واقع پاسدار نظام و قوانین ارتجاعی اسلامی است.

به این اعتبار سپاه را نباید با کمیت نیم میلیونی پرسنل سپاه و بسیج و یکصد هزار نفری نیروی قدس برون مرزی و یا سردارانی چون جعفری و قاسم سلیمانی و غیره شناخت. طیف گسترده ای از بورژوازی ایران با عمامه و بدون عمامه و صاحبان بینادهای مالی چون آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفین، جهاد سازندگی، بانک ها و موسسات مالی و اعتباری و نهادهای سیاسی دیگر، چون شورای عالی امنیت ملی، مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... در پیوندی ارگانیک با سپاه قرار دارند. و دولت امریکا این را بخوبی می فهمد. ... صفحه ۴

سخت کرده است. امروز علیرغم رشد تکنولوژی و دانش علمی و فنی بیش از هر زمانی مساله امنیت و ادامه حیات معضل میلیون ها انسان از کشورهای فقیر و جنگ زده زده آفریقا و آسیا تا قلب پایتخت های اروپای غربی و آمریکاست. به "سروران" بورژوازی جهان امروز را نگاه کنید. ... صفحه ۲

کشتار و جنایت و خونریزی قلدری و میلیتاریسم و تروریسم تا لگدمال شدن همه دستاوردهای بشریت متمدن است. امروز بیش از هر زمانی بوی تفتن سرمایه داری دنیا را فرا گرفته است. عفونتی که نفس کشیدن را برای میلیاردها انسان کارگر و زحمتکش و محروم،

اول مه روز همبستگی و اتحاد کارگران جهان، روز اعتراض این طبقه به نظامی است که مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان از فقر و محرومیت و تبعیض و نابرابری تا اختناق و سرکوب سیاسی، از جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، تا بیکاری، بی مسکنی و ناامنی اقتصادی و سیاسی، از جنگ و

### فاجعه سیل و راه نجات مردم

مظفر محمدی



#### کمک های مردمی

کمک های مردمی چه در میان خود مردم سیل زده و چه بیرون از آن به هیچوجه جواب این فاجعه نیست. اگر چه در ابعاد معینی بخشهای از مردم استین بالا زده و کمکهایی جمع آوری کرده اند. ولو راه رسیدن این کمک ها و بدلیل تخریب جاده ها و کارشکنی و ممانعت نیروهای امنیتی و نظامی غیرممکن شده است. تلاشهای خود مردم سیل زده در عین اینکه شگفت آور است، اما مردم به تنهایی و بدون امکانات و ماشین آلات و بودجه و نیروی انسانی و غیره از عهده جبران این فاجعه بر نمی آیند.

#### دولت به معنای نهادهای حکومتی و نظامی (ارتش و سپاه):

اولا- تمام امکانات لجستیکی، ماشین ها و حمل و نقل زمینی و هوایی و کلیه امکانات مالی و

حدود نیمی از مساحت ایران را سیل فراگرفته است. شهر و شهرک و روستاهای بیشماری زیر اوار خروارها خاک و لجن دفن شده است. خانه خرابی و تخریب مزارع و راه ها به سختی قابل شمارش است. آمار کشته ها به درستی اعلام نشده است. تعداد آوارگان و مردمی که تمام هستی خود را از دست داده اند شمارش نشده است. میزان خسارت مالی و تخریب زندگی میلیون ها انسان و خانواده ها برآورد نمی شود. اگر دست دولت باشد، هیچکدام از ابعاد این فاجعه را نپذیرفته و اعلام نمی کند. دولت نه برای جلوگیری و پیشگیری و کم کردن ابعاد فاجعه اقدامی بعمل آورده و نه برای جبران خسارتهای برنامه ای مشخص به جامعه اعلام می کند. در چنین شرایطی چاره ی مردم و راه برون رفت از این فاجعه چیست؟

کالا و نیازهای مردم و داراییهای جامعه را در اختیار دارد. دوما - نیروی انسانی عظیمی در نهادهای دولتی و نظامی، فنی و تخصصی جمع شده است که سر به میلیون ها پرسنل می زند. سوم- دولت مدیریت بحران سیل را به حکم مسوولیتی که پذیرفته است برعهده دارد. اما دولت تاکنون:

۱- در پیشگیری و تقلیل ابعاد خسارت سیل و جبران خسارتهای اقداماتی نکرده است..

حضور نیروهای دولتی و نظامی بیشتر به صورت نمایشی و بی تاثیر بوده و بعضا در مواردی با انجام عملیتهای تخریب جاده ها و دستکاریهای غیر تخصصی سدها، حتی ابعاد تخریب سیل را بیشتر کرده است. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری



اول ماه مه...

ترامپ، کیم جون اونگ، محمد بن سلمان، اردوغان، سیسی، پوتین، نتانیاهو، خامنه ای... این ها بورژواهای کراوات زده، "نجیب" و دمکرات دهه های دوران عروج بورژوازی نیستند، که برای گشودن راه رشد خود، ناچار بودند که بسیاری از عقب ماندگی ها را پس بزنند و جوامع انسانی را یک قدم به جلو، پیش ببرند. این ها لمپن ها، قداره بندها، تروریست ها و توطئه گران جهان امروز اند، که برای سرپا نگاه داشتن و حفظ نظام گندیده شان، برای جلوگیری از اینکه بردگان مزدی و گورکنان شان،

فرروپاشی آنها را با انقلابات کارگری به جوامع آزاد، برابر و مرفه، به سوسیالیسم گره بزند، بر مسند قدرت نشسته اند! ملزومات حفظ و بقا قدرت و نظام سراپا گندیده شان، تخریب مدنیت، انسانیت و طبیعت، در ابعاد نجومی است.

این ها مسببین کشتار جمعی، جنایت سازمان یافته، فقر و گرسنگی، مرگ و میر و در انقیاد کامل نگاه داشتن میلیاردها شهروند زحمتکش جهان، مسببین تحمیل عظیم ترین عقیدت‌های فکری و فرهنگی به بشریت اند. اینها عاملین عروج مجدد ارتجاع مذهبی، نژاد پرستی، قوم پرستی و فاشیسم اند.

اول مه روز کیفر خواست، بردگان مزدی، طبقه کارگر،

علیه این جهنمی است که بورژوازی برای بشریت ساخته است. این روز، روز اعلام همبستگی و پیمان بستن مشترک، برای ساختن دنیایی دیگر است. دنیایی رها از محرومیت ها، مشقات، کمبودها و تمام عفونت و زشتی های امروز!

دنیایی که طبقه کارگر می سازد، دنیایی آزاد، برابر، مرفه و امن است.

دنیایی که برای اولین بار آرمان آزادی و برابری انسان ها به معنی واقعی کلمه را عملی میکند. آزادی از ستم و سرکوب سیاسی، از اجبار و انقیاد اقتصادی و از اسارت فکری. آزادی در شکوفایی خلاقیت ها و عواطف انسانی. برابری، نه فقط در برابر قانون،

بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه.

دنیایی که برابری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همه شهروندان جامعه صرفنظر از ملیت و قومیت و مذهب و جنسیت تضمین است. دنیای جوامع بشری که همه کار می کنند و همه به یکسان از تولید نعمات جامعه برخوردار هستند. کسی بیکار نیست، بی مسکن نیست، بی دارو و بی تامین اجتماعی نیست، کسی بخاطر نان خود و فرزندانش، تن فروشی نمی کند، کسی از ناامیدی و فقر به اعتیاد پناه نمی برد، پدیده ای به نام سرمایه دار و کارگر وجود ندارد. هر کس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه نیازش از تولید اجتماعی و اشتراکی برداشت میکند. از ارتش و

سپاه و سازمانهای مخوف اطلاعاتی مافوق مردم برای سرکوب جامعه و حفظ نظام سرمایه داری خبری نیست. تسلیح عمومی جایگزین نیروهای مسلح مافوق مردم است... دنیایی که برابری و آزادی و رفاه و امنیت، معیار زندگی همه ی اعضای جوامع بشری است. جوامعی که از تبعیض و تفرقه و تقسیم انسان بر اساس جنسیت، ملیت، زبان و نژاد و دین خبری نیست. جوامع انسانهای آزاد، برابر و خوشبخت!

دنیایی که در آن "بجای جامعه کهن بورژوازی، با طبقات و تناقضات طبقاتی، اجتماعی از افراد پدید میآید که در آن، تکامل آزادانه هر فرد شرط تکامل آزادانه همگان است." ساختن این دنیا هدف انقلاب

کمونستی طبقه کارگر است. حزب حکمتیست بعنوان بخش متحزب کمونیسم طبقه کارگر در ایران، در این روز، بار دیگر، پیمان میندد که با تمام توان، بی وقفه و با تعجیل، برای سازمان دادن چنین انقلابی و ساختن این دنیای آزاد و برابر و سعادتمند، می کوشد.

اول مه امسال با طلیعه رهایی طبقه کارگر جهانی و پیروزی طبقه کارگر و محرومان، پیروز باد!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد کمونیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی) آوریل ۲۰۱۹ - فروردین ۱۳۹۸

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

## فاجعه سیل و ...

۲- سعی کرده است، این فاجعه را نعمتی برای جامعه و مردم تعریف کند، تا بر ابعاد فاجعه سرپوش بگذارد.

۳- تا کنون ستاد دولتی بحران، نه ابعاد فاجعه را تعیین کرده و نه میزان بازسازی و جبران خسارت ها را برآورد نموده است. تعیین مبلغ ناچیز چند میلیون تومان بعنوان کمک و وام در حقیقت دهن کجی دولت به مردم سیل زده و اهانت به زندگی بخش عظیمی از مردم جامعه است که هست و نیست خود را برای همیشه از دست داده اند. این یک بازی شیدانه، جنون آمیز و تهوع آور دولت با زندگی مردم است!

۴- از قبول کمکهای بین المللی بجز در موارد محدود، سر باز زده است. کمکهایی از قبیل متخصصین تقلیل خسارات فاجعه ی سیل از پیشی تا امکانات فنی و ماشین آلات سنگین که می توانست در پاکسازی شهرها و جاده ها و بازگشت بخشی از مردم به زندگی را تسریع کند. اکنون آشکارا می توان دید و پیشبینی کرد که ولو با فروکش کردن سیل، ابعاد عوارض این فاجعه ای انسانی و زیست محیطی، از قبیل آوارگی، بی خانمانی، مریضی های مسری و لا علاج بخصوص برای زنان باردار و دارای فرزندان کوچک و گرسنگی و مرگ و میر، برای سالها و مدت طولانی، دامن میلیون ها انسان بخش سیل زده ی جامعه را خواهد گرفت. بعلاوه، این فاجعه برای مردم سیل زده، یاس و ناامیدی

مرگباری را هم به دنبال خواهد داشت.

در چنین شرایط دردناک و فاجعه انسانی، راه چاره برای برگشتن میلیون ها انسان به زندگی، یک تحرک اجتماعی و یک جنبش آگاهانه و عظیم همبستگی و اتحاد سازمانیافته ی کل جامعه است. ابعاد این جنبش و حرکت و اشکال و شیوه های دخالت و تصمیم گیری، کارخانه ها، شهرها و شهرک ها و روستاها را در بر می گیرد.

تاکنون در بعضی نقاط سیل زده شوراهای مردمی و ستادهای کمک رسانی تشکیل شده اند. و این نقطه مشترک راهی است که می تواند، کلیه شهر و شهرک ها و مناطق روستایی سیل زده را در بر گیرد. و حمایت و همبستگی بقیه نقاط کشور که از این فاجعه در امان مانده اند را بهمراه داشته باشد.

شکی نیست که تحرک اجتماعی سازمانیافته از شوراهای مردمی و ستادهای مردمی بحران، خود دارای امکاناتی نیستند که از عهده ی پاک سازی شهرها و مناطق و راه ها بر آید، خرابی ها را بازسازی کند و امکانات و نیازهای مردم سیل زده را تامین کند. اما این جنبش انسانی و مردمی، می تواند عامل فشار جدی بر دولت باشد که مسوولیت این اقدام را برعهده دارد.

قطبی متشکل از شوراهای مردمی و هیاتهای نمایندگی محلی و سراسری به موازات نهادهای دولتی برای دخالت و نظارت بر اقداماتی که دولت در نتیجه ی این فشار باید انجام دهد، می تواند مصیبتهای ناشی از فاجعه سیل را تقلیل دهد.

این فشار سازمانیافته می تواند چنان قدرتمند باشد که دولت را مجبور کند، حضور، دخالت و نظارت مردم را به رسمیت بشناسد، شوراهای مردمی محلات و شهرها و شهرک ها و مناطق روستایی را برسمیت بشناسد. و هیاتهای نمایندگی محلی و سراسری مردم را برای دخالت و نظارت و پیگیری جبران خسارت، بپذیرد.

دولت موظف است :

۱- میزان خسارت های وارده در هر محله و شهر و شهرک و مناطق روستایی را شامل، تخریب مساکن، اموال از دست رفته ی مردم، مدارس و مراکز بهداشت و درمان و بیمارستان ها، تخریب مزارع و جاده ها و غیره را بطو واقعی و علنی بدون هیچگونه لاپوشانی و تقلیل آن، برآورد کرده و به سیل زدگان و جامعه اعلام کند. منابع تامین این بودجه، درآمد های کشور، بودجه کلان نظامی، بودجه صرف نیروهای وابسته ی سران نظامی، نمایندگان مجلس و مدیران و روسای امور، درآمدهای کلان بنیادهای مذهبی غول آسا و ... است.

۲- بودجه نقدی لازم برای جبران این خسارتهای در اختیار نهادهای قابل اعتماد و با نظارت شوراها و هیاتهای نمایندگی مردم هر محل قرار دهد.

۳- ماشین آلات و ابزار و امکانات و نیروی انسانی لازم برای پاکسازی شهر و شهرک ها و مناطق روستایی و بازسازی خرابی ها، تامین و در

اختیار بگذارد. شوراهای شهر دولتی، شهرداری و فرمانداریها و دیگر نهادهای ذیربط موظفند به سرعت نیروی انسانی از جمله در ارتش و سپاه و نهادهای دولتی که نیروی جمعیت عظیمی را در خود جمع کرده اند، بسیج نموده و امکانات و ماشین آلات پاکسازی شهر، تعمیر و بازسازی مساکن، شهرک سازی، تامین فوری آب و برق و دیگر نیازهای حیاتی مردم را فراهم کنند.

۴- بازسازی ویرانیهای ناشی از سیل را بعنوان یک اولویت فوری در دستور نهادهای وابسته به دولت در هر محلی قرار دهد.

۵- مردم بی مسکن و خانه خراب را در اماکن دولتی وساخت و سازهای سرمایه داران و اردوگاه های موقتی با امکانات کافی زندگی، آب و برق و بهداشت و درمان و آموزش و خوراک و پوشاک و غیره اسکان دهد.

۶- از آنجاییکه به نهادهای وابسته به دولت اعتمادی نیست و امکان حیف و میل بودجه و امکانات لازم هست و این بی اعتمادی را بخشهایی از خودحاکمیت با نمونه های فساد و اختلاس و دزدی و حیف و میل، اذعان دارند، دولت موظف است نظارت مردمی متشکل از هیاتهای نمایندگی محلی و سراسری بر کل این پروسه از ابتدا تا انتها را بپذیرد. تنها نظارت مردمی می تواند از دزدی و پنهان کاری و یا وعده و وعید و اتلاف وقت دولت و نهادهای محلیش جلوگیری نماید.

ما می دانیم و آگاهیم که دولت بدون یک فشار اجتماعی و دخالت سازمانیافته توده های مردم سیل زده و

دیگر بخشهای جامعه از کارخانه ها تا شهرها و در میان اقشار اجتماعی مانند معلمان و دانشجویان و غیره، به جبران خسارات وارده بر میلیون ها انسان مصیبت دیده و آواره و بی خانمان که هست و نیست شان را سیل برده است، تن نمی دهد.

ما می دانیم و آگاهیم، بدون دخالت و فشار اجتماعی سازمانیافته، دولت زندگی میلیون ها انسان را به بازی گرفته و در قبالشان مسوولیتی برعهده نمی گیرد. نمونه ی مناطق زلزله زده که مردمانش هنوز در آلودگی می کنند، جلو چشم ما است. اکنون دیگر جبران خسارات وارده بر زلزله زدگان به دست فراموشی سپرده شده، به مردم دروغ می گویند، سر می دوانند و وقت تلف می کنند. این اتفاق نباید برای میلیونها انسان سیل زده بیفتد...

شوراهای مردمی، هیاتهای نمایندگی، ستادها و کمیته های بحران در هر شهر و شهرک و مناطق روستایی بعنوان یک نیرو و قطب اجتماعی و یک تحرک انسانی جدی و پیگیر برای فشار بر دولت، تنها ضامن نجات میلیون ها انسان از این فاجعه و برگشتن به زندگی عادی است!

بعلاوه، همبستگی، همدردی و همیاری دیگر بخشهای جامعه که از فاجعه ی سیل در امان مانده اند، بصورت متشکل و سازمانیافته بهر شکل ممکن از جمله شوراهای کارگری و مردمی و هیاتهای حمایت از سیل زدگان و فشار بر دولت برای جبران خسارتهایشان، یک وظیفه ی اجتماعی و انسانی است که نباید دریغ شود.

بازی در زمین ...

اما می خواهد از طرفی با چشم بندی، دولت جمهوری اسلامی از روحانی تا خامنه ای را دولت مشروع و حضور و عضویت این رژیم در تمام نهادهای بین المللی مثل سازمان ملل و ارگانهای وابسته به آن، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و غیره و حضور نمایندگان در سفارتخانه های همه ی کشورها قابل قبول دانسته و از طرف دیگر سپاه پاسداران را که در عمل ستون حاکمیت ایران را می سازد، تروریست اعلام و تحریم می کند! این تناقض، جز نشان سردرگمی و عوامفریبی دولت ترامپ و وابستگی آن نیست.

دولت روحانی و حکومت خامنه ای و سپاه در ایران، در عرف نظام سرمایه داری جهانی، به همان اندازه مشروع است که دولت ترامپ در امریکا یا هر دولت ارتجاعی سرمایه داری دیگر با استثمار طبقه کارگر، جنگ ها و تروریسم شان. قرار دادن سپاه با خصوصیتی که تعریف می شود، در لیست تروریسم و تحریم آن، با به رسمیت شناختن این "مشروعیت" سازگار نیست. این سیاست را در واقع باید در متن اهدافی قرار داد که ترامپ و دولتش بدنبال آن هستند. و آن از طرفی فشار بر جمهوری اسلامی برای پیوستن به جرگه ی بورژوازی بین المللی و اصول و قواعد بازی آن ها است. و از طرف

دیگر، امتیاز دادن به بخشی از بورژوازی ناراضی ایران در داخل و خارج است تا بلکه خونی در رگهای خشک شده شان جاری کند. جدا کردن سپاه از کل حاکمیت و نظام سرمایه داری ایران، ولو قابل تفکیک نیست، اما در واقع دفاع از این نظام و تقسیم این حاکمیت به تروریست و غیر تروریست و خوب و بد است! قاعدتا جناح خوب و غیر تروریست باید یکی احمدی نژاد باشد که زمانی سپاه را "برادران قاچاقچی" نامید و روحانی هم جمع شدن اسلحه و پول و میدیا در دست سپاه را فاسد کننده اعلام کرد. قطعا ترفند جدید ترامپ، روحانی و احمدی نژاد و اصلاح طلبان را متشکر نخواهد کرد، اما قند را در دل ناسیونالیسم پرو غرب در اپوزیسیون، آب کرده است!

تایید سیاست امریکا و کف زدن برای ترامپ از طرف ناسیونالیست های پرو غرب، پان ایرانیست ها، سلطنت طلبان و جناح چپ ناسیونالیسم پرو غرب امثال حزب کمونیست کارگری ایران، بعنوان تضعیف جمهوری اسلامی، وارد شدن در زمین بازی دشمن و متوهم کردن و خاک پاشیدن به چشم مردم است. ناسیونالیسم پرو غرب ارتش را ملی و سپاه پاسداران را اسلامی و تروریست می نامد. این طیف، ارتش را خودی می نامد که در تحولات آتی باید نقش بازی کند و مثل ژنرال سیسی در مصر، جامعه

ایران را نجات دهد. بخصوص نگذارد نظم سرمایه داری در ایران توسط طبقه کارگر و کمونیسم اش بخطر بیفتد! این طیف، تروریسم دولتی ترامپ را هیچ، بلکه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را هم به نام اینکه سپاه تروریست است، زیر فرش می کنند. این ها فراموش کرده اند که ترور کمونیست ها و مخالفین جمهوری اسلامی در خارج کشور با دستور مستقیم رفسنجانی انجام شد. و فریبکارانه تر این است که ادعای امریکا مبنی بر اینکه این سیاست، قدرت سپاه سرکوب مردم ایران را کاهش می دهد، به خورد مردم می دهند و آن را "پیروزی بزرگ ملت ایران" می دانند!

اما کیست که نداند، از جدالهای جمهوری اسلامی با امریکا 4 دهه می گذرد و در زمین بازی این دشمنان، ذره ای منفعت عاید مردم ایران نشده است. در آینده هم نخواهد شد.

میدان جنگ و جدال اصلی در ایران بین بورژوازی و همه ی نهادهای رسمی و غیر رسمی، سیاسی و نظامی آن و طبقه کارگر و زحمتکشان است. چشم انداز مبارزه طبقاتی و مبارزه ی ستمکشان و محرومان ایران علیه کلیت نظام سرمایه داری با سپاه و دولت و همه ی نهادهای حافظ این نظام، جدالی برای آزادی و برابری است. طبقه کارگر و کمونیسم اش در ایران، فاکتوری است که همه دشمنان خارجی و داخلی در معادلات و بازیهای

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خارجی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

حکمتیست را  
توزیع و پخش  
کنید!

سیاسی شان، گنجانده و گوش بزنک و آماده باش برای مقابله با آن هستند. جدال ما با بورژوازی حاکم ایران با یا بی اسلحه شان و با ترامپ بعنوان ارتجاعی ترین حکام بورژوازی جهانی، نه در زمین آنها، بلکه در یک مبارزه بی امان سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، برای زندگی بهتر و جامعه ای آزاد و برابر و مرفه است. ما باید در این جدال پیروز شویم!

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!